

در نخستین مقاله‌یی که سال گذشته زیر عنوان «هدفهایی که در نشر معاصر دنبال میشود» درین مجله منتشر شد این نتیجه بدست آمد که سه هدف زیر مورد توجه نویسندگان معاصر است :

- ۱ - سادگی و روانی نثر .
- ۲ - درستی کلمه‌ها و جمله‌ها از لحاظ لغت و صرف و نحو .
- ۳ - تهذیب و تصفیه زبان فارسی از نفوذ ناروای زبانهای بیگانه و نکهبازی استقلال زبان فارسی .

سپس در مقاله‌های دیگر گفتگو درباره‌ی هدف سوم آغاز گردید و بارها یادآوری شد که آنچه به استقلال یک زبان کزند و آسیب فراوان میرساند ، رخنه کردن قاعده‌های صرف و نحوی و رسم خطی و مانند اینهاست نه داخل شدن لغتهای بیگانه. و در ضمن چند گفتار برخی از مورد های مذکور به تفصیل نشان داده شد از قبیل :

جمعهای مذکور سالم و مؤنث سالم و مکسر تازی ، کلمه‌های الف و لام دار ، کلمه‌های تنوین دار . و سرانجام موضوع همزه دامنه دار تر شد و از هر لحاظ در باره‌ی آن به گفتگو پرداختیم و دنباله بحث در همزه به چگونگی به کار بردن کلمه‌های خارجی منجر گردید که اینک درین شماره موضوع مزبور یادآوری میشود : تردیدی نیست که در دنیای امروز هیچ ملت متمدنی نمیتواند به شیوه‌ی اعتزال بسر برد و رابطه‌ی خود را با جهان قطع کند بلکه برعکس پیشرفتهای حیرت آور علمی و صنعتی موجب‌هایی در جهان پدید آورده است که به اجبار ملتهای جهان را بهم نزدیک میسازد و بویژه ملتهایی که بهر سبب از کاروان تمدن این عصر بازمانده اند ناگزیرند برای بدست آوردن دانشها و هنرهای نو و به منظور بالا بردن سطح زندگی اقتصادی خویش با کشورهای پیشرفته و مترقی جهان پیچانتهای فرهنگی و اقتصادی گوناگون ببندند و رشته‌ی پیوند و همبستگی خویش را با جهان متمدن روز بروز استوارتر کنند. شکی نیست که این همه همبستگی و ارتباط در همه‌ی روشهای زندگی و آیینهای اجتماعی مردم تاثیر می بخشد و بویژه اندیشه‌های تازه‌یی جانشین اندیشه‌های کهن میگردد و ناگزیر هزاران کلمه‌ها و لغتهای نوین در رشته‌های علمی و هنری و اجتماعی و ادبی مصطلح میشود و زبان را بسرعت توسعه میدهد در چنین وضعی چنانکه یاد آور شده‌ام باید دستگامی نظیر فرهنگستان باشد که ماه بماه باین کلمه‌ها و اصطلاحهای تازه‌ی خواص علمی و ادبی و هنری و خواه لغت‌های معمولی صورت رسمی بخشد و هر کدام را مخالف رسم خطی و قاعده‌های صرف و نحوی فارسی بیاید رد کند و بجای آن کلمه‌ی پارسی برگزیند و یا با مختصر تغییریری که آنرا با خصوصیت‌های فارسی سازگار سازد ، کلمه را بپذیرد و روش درست بکار بردن آنرا به همگان اعلان کند . اما نویسندگان و مترجمان نیز باید در بکار بردن کلمه‌های خارجی خصوصیت‌های زبان مادری خویش را بیاد داشته باشند و همچنانکه دیبلمات‌ها و نمایندگان بازرگانی در هنگام بستن پیمانهای سیاسی و اقتصادی میکوشند در قراردادها و پیمانها ماده‌ی گنجانیده نشود که با استقلال سیاسی و اقتصادی کشور ناسازگار باشد ، نویسندگان و مترجمان نیز هنگام پذیرفتن و بکار بردن کلمه‌های بیگانه باید در اندیشه‌ی استقلال زبان فارسی باشند و کلمه‌هایی را متداول نکنند که به موجودیت و استقلال زبان مادری آنان آسیب برساند . پیدا است که آراستگی به وجدان ملی خود بخود جوانان را بر می انگیزد که این اصل را مراعات کنند ، چنین جوانانی هرگز مرعوب پیشرفتهای و ترقیهای حیرت انگیز دیگران نمی‌شوند و با اینکه به اقتباس دانشها و هنرهای بیگانگان به منظور شکوفان ساختن دستگامهای علمی و صنعتی و اقتصادی میهن خویش ایمان راسخ دارند ، نکهبازی آیینها و رسمه‌هایی را که از پایه‌های استقلال شمرده میشوند نیز از مهمترین وظیفه‌های خود می‌دانند . و تردیدی نیست که در میان آیین‌های ملی زبان مادری از همه گرامی‌تر و ارجمندتر است و از رکن‌های اساسی بشمار میرود ، و وجدان ملی به ما فرمان میدهد که در نکهبازی و تهذیب آن صمیمانه بکوشیم بویژه که این خصالت عالی در میان

روش

نوشتن

کلمات

بیگانه

ملت ماریشه‌های استواری دارد و از قدیمترین روزگاران مردم کشور ما بدان پایبند بوده‌اند، و توان گفت یکی از رازهای بقای ملت ما در طی قرنهایی که با بزرگترین حادثه‌های اندوهبار و جانخراش و تاخت و تازهای وحشتبار و سهمناک بیگانگان به این سرزمین روبرو بوده‌است، همین وجدان ملی است. چنانکه در کشور ما قهرمانانی پدید آمده‌اند که برای همیشه نام بلند آنان مایه مباهات ملت ما خواهد بود، مانند دادبه پارسا یا عبدالله بن مقفع و فردوسی طوسی و ابوریحان بیرونی و جز آنان که هر کدام در ننگهایی آیینها و رسمهای بزرگ ملی ما کامهای بلندی برداشته و شاهکارهای جاویدانی از خود به یادگار گذاشته‌اند. بزرگان مزبور با آنکه مسلمانی گزیده بودند، از اندیشه‌ی ایران دمی غافل نبودند و بهیچسرو مرعوب نیرومندی قوم غالب نشدند و در نهایت مردانگی و دلیری نبوغ خود را در راه زنده کردن زبان و آیینهای ملی خویش نمودار ساختند از آن روزگار تا کنون تحولات سیاسی و اجتماعی گوناگون در همین مارخ داده و تیره‌های مختلف به این سرزمین هجوم آورده‌اند اما زبان فارسی در همه‌ی این کیر و دارها موجودیت خود را حفظ کرده و هر چند در برخی از عصرها دچار انحطاط شده‌است اما دیری نگذشته‌است که شیفتگان بدین زبان راههایی برای اصلاح آن اندیشیده و آنرا از خطر نابودی رها نینداند. مرحوم بهار می‌نویسد: «مجال است عصری بزرگ زبان بگذرد و تغییر در آن زبان روی ندهد منتها باید یک چیز رعایت شود و آن حفظ پایه و قواعد دستور زبان است که در عین آزادی فنی بایستی از آن غفلت نکرد یعنی باید هر نویسنده حق داشته باشد به هر طریق که بهتر می‌داند و با هر لفظ که فصیحتر می‌پندارد الهامات قلبی خود را نشان دهد و قیدی بردست و پای او نبیند، منتها ارائه طریق بر طبق دستور و از حیث معنی لغت، از طریق فرهنگستان و به وسیله دیگر اساتید بایستی به عمل آید، و قاعده عمومی در حفظ و حمایت لغات مادری نیز مانند قواعد صرف و نحو محترم شمرده شود. با این روش امید است نثر فارسی در نتیجه انقلاب سی‌چهل ساله و مساعی نویسندگان فاضل... دوره پرافتخاری را بگذراند چنانکه در این اواخر ترقی فاحشی که در نثر فاضلانه و بی غلط فارسی پیدا شده‌است این نوید را بیا میدهد». (از سبکشناسی ج ۳ ص ۴۰۷) باری مشکلی که در نثر معاصر پدید آمده‌است نیازمندی به نقل کلمه‌های فنی و ادبی در نوشته‌های علمی است این کلمه‌ها که از زبانهای فرانسه و انگلیسی و دیگر زبانها به فارسی برگردانده میشوند، دشواریهایی پدید آورده‌اند زیرا گذشته از اینکه الفبای فارسی فونتیک نیست و آواهای مختلف را نمیتوان در آن نشان داد بسیاری از آواهای الفبای بیگانه در زبان فارسی یافت نمیشود و این آواها در زبانهای بیگانه نیز با هم تفاوت دارد و در مثل برخی از آواها در یک زبان به حرف (o) و در زبان دیگر به حرف (a) یا (e) نشان داده میشود و در نقل کلمه‌هایی که دارای این گونه آواها هستند، مترجمی که کلمه را از انگلیسی به فارسی بر می‌گرداند آنرا به یک صورت می‌نویسد و آنکه آنرا از زبان فرانسه یا زبانی دیگر نقل می‌کند به صورتی دیگر متداول می‌سازد و در نتیجه ملاحظه می‌شود که نوشتن یک کلمه در زبان فارسی به دو گونه متداول میشود مانند کلسیم و کالسیم و مانگانوز و منگنز و کربن و کاربن و کپسول و کاپسول و مانند اینها. گذشته از این برخی از آواها از قبیل (o) را گروهی از مترجمان ضعیف فارسی تلقی می‌کنند و چون در خط فارسی آوای ضمه دارای نماینده‌ی نیست که به کلمه پیوسته شود و در مثل ضمه‌ی «کرک» را نمیتوان به کلمه متصل کرد بلکه خواننده باید معنی کلمه را دریابد و آنگاه (ک) را مضموم بخواند ازینرو کلمه‌هایی را که دارای حرف (o) هستند بر کلمه‌های فارسی مضموم قیاس می‌کنند و در مثل کلمه‌های (romane) و (Controle) را رومان و کنترل می‌نویسند اما دسته‌ی دیگر (o) را به قیاس (و) بیان ضمه در کلمه‌های فارسی (دو) و (تو) و (چو) بصورت (و) مینویسند بدینسان: رومان - کنترل و در نتیجه نوشتن صدها کلمه به دو صورت و بلکه به چند صورت متداول شده‌است مانند: میکروب و میکرب، رفوم و رفورم، رل و رول، متد و متود، الکل و الکول و جز اینها و حتی در یک کلمه یک (o) ای همان کلمه را ضمه تلقی کرده‌اند و (o) ای دیگر را (و) مانند (اتومبیل) و (کنترول)

و جز اینها و درین باره مرحوم بهمنیار نوشته‌اند: در نوشتن کلمات بیگانه که از غیر عرب گرفته شده‌است معمول برخی از نویسندگان این است که ضمه و فتحه و کسره حروف را بصورت واو و یاء و الف جزو کلمه می‌نویسند، و این طرز کتابت گذشته از اینکه با اصل استقلال خط و زبان (فارسی زبانی زنده و مستقل است و هر لغت اجنبی که وارد آن می‌شود باید تابع مقررات و قوانین آن باشد) منافات دارد منشأ دو عیب مهم نیز شده‌است، یکی اینکه در داخل کردن این سه حرف هر نویسنده ذوق و سلیقه یا تشخیص خود را ماخذ قرار می‌دهد و کلمه را به دلخواه خود به شکلی خاص در می‌آورد و یک کلمه که تلفظی واحد دارد به دو یا چند شکل مختلف نوشته می‌شود، چنانکه «اتمبیل» را در نوشته‌های فارسی به اشکال «اتومبیل»، «اتومبیل»، «اتمبیل» و همچنین «پرفسر» را به اشکال «پروفوسور»، «پرفسور» می‌یابیم و بسدیبهی است که این هرج و مرج در شیوه کتابت پسندیده نیست. دیگر اینکه این سه حرکت به سه حرکت ممدود (آ - او - ای) و دو حرکت ملین «او - ای» که جزو دو کلمه است مشتبه می‌شود و خوانندگان که تلفظ اصلی کلمه را نمی‌دانند در تشخیص این دو نوع حرکت و طرز تلفظ کلمه متحیر و سرگردان می‌مانند.

برای رفع این دو عیب باید اصل استقلال خط و زبان و اصل احترام از التباس را منظور داریم و به طور مطلق از داخل کردن و او بیان ضمه و الف بیان فتحه و یاء بیان کسره در کلمات بیگانه غیر عربی خودداری کنیم، و فی‌المثل بجای «یود»، «گرام»، «اتومبیل»، «فورمول»، که برخی می‌نویسند «ید»، «گرم»، «اتمبیل»، «فرمول» بنویسیم و هکذا. از مقدمه‌ی لغتنامه‌ی دهخدا (ص ۱۷۱) از روزگاری که مرحوم بهمنیار این قاعده را به فرهنگستان ایران پیشنهاد کرده‌اند و به تصویب نرسیده‌است تا کنون هزاران کلمه‌ی خارجی دیگر در خط و زبان فارسی به دو یا چند گونه نوشتن متداول شده‌است و هم اکنون نیز تا یک دستگاه صلاحیتدار در باره‌ی چنین کلمه‌هایی رای قاطعی صادر نکند و یکی از چند شکل را بر نگزیند و بقیه صورتها را غلط شمارد، روز بروز بر تعداد این گونه صورتها افزوده میشود و برای گرفتن تصمیم قاطع در باره‌ی این گونه اشکالها با نقیصه‌هایی که در خط فارسی وجود دارد تنها باید به یک دلیل متوسل شد و آن هم حفظ استقلال خط و زبان و پیشگیری از هرج و مرج است و گرنه استدلال مرحوم بهمنیار به اینکه اگر در مثل «اتمبیل» را بصورت «اتمبیل» بنویسیم «خواننده در طرز تلفظ کلمه متحیر و سرگردان می‌ماند» و «او» بیان ضمه را «ou - او» تلفظ می‌کند بدینسان نقض می‌شود که چون در خط فارسی آواها با حرفها نوشته نمی‌شود کلمه‌ی «اتمبیل» را می‌توان به دهها صورت دیگر خواند از قبیل فتح یا ضم یا کسره‌ی حرفها کلمه و فتح یا ضم یا کسر حرف اول و کسر یا ضم دیگر حرفها و خلاصه همان اشکالی که در تلفظ همه‌ی کلمه‌های فارسی وارد است بر اینگونه کلمه نیز وارد می‌آید و بنا برین اگر روزی دستگاه صلاحیتداری بخواد درین باره رای صادر کند قاطع‌ترین دلیل حفظ خط و زبان و قیاس کردن آنها به دیگر کلمه‌های فارسی است و از هم اکنون نیز مترجمان و نویسندگان علاقه‌مند می‌توانند اصل مزبور را در نظر گیرند و در بکار بردن کلمه‌های مزبور از نظر مرحوم بهمنیار پیروی کنند و بویژه نوشتن کلمه به خط لاتین در حاشیه‌ی کتاب یا نوشته اشکالی را که در تلفظ آن برای خواننده رخ می‌دهد، رفع می‌کند.

در باره‌ی او بیان ضمه سزااست نکته‌های دیگری را نیز یادآوری کنم: صاحب‌المعجم می‌نویسد: «او بیان ضمه و آن واو، دو، و تو است که در صحیح لغت دری ملفوظ نگردد و در کتابت برای دلالت ضمه

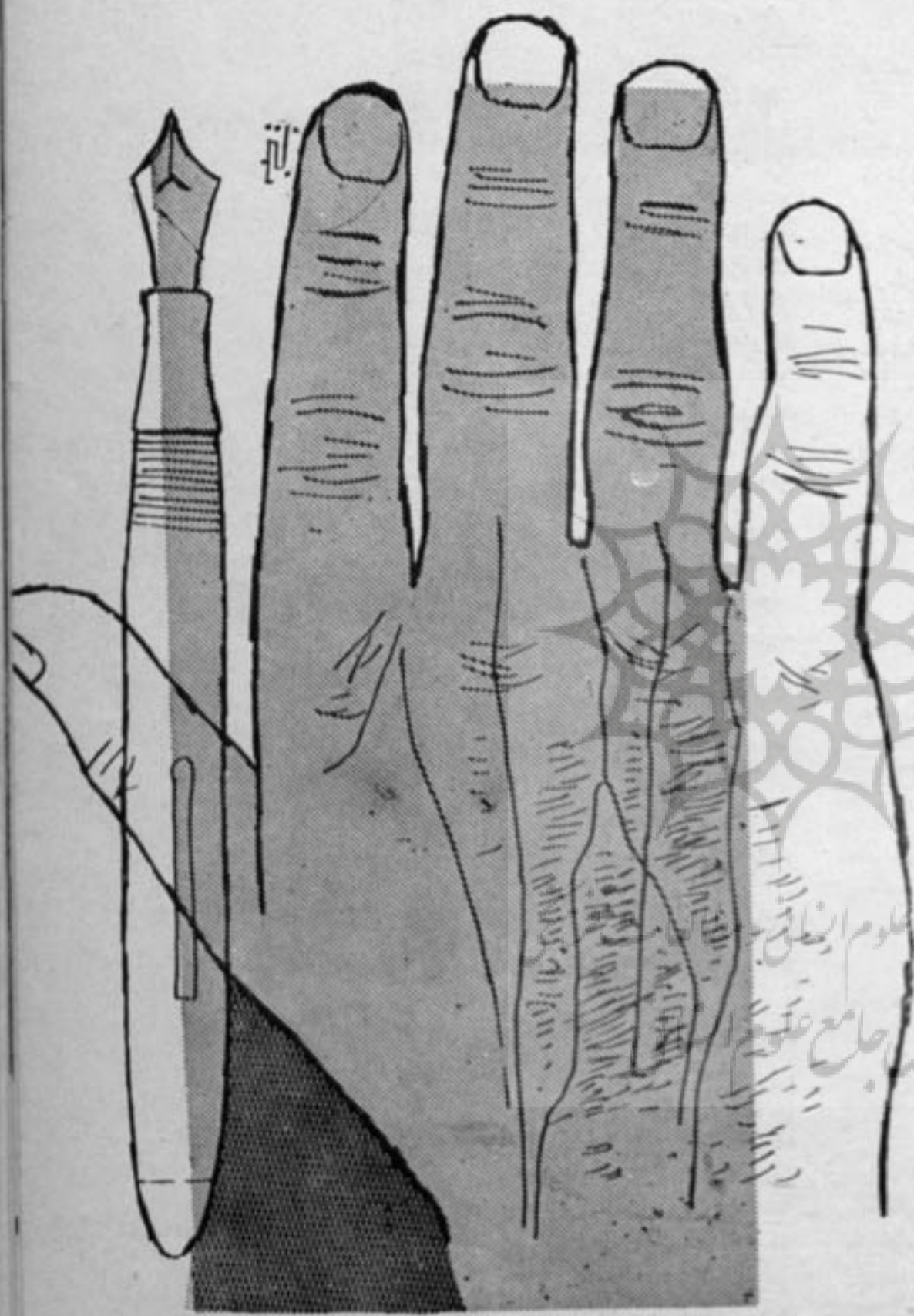
مقابل آن نویسد. (۱) البته کلمه «چو» در شمار دو کلمه نیست که شمس قیس آن را در المعجم آورده است بلکه کلمه مزبور مخفف «چون» می باشد و بنابراین (و) بیان ضمه چنانکه در آن روز کار شمس قیس نوشته است منحصر به دو کلمه: دو و تونست بلکه گذشته از اینکه در لهجه های محلی نیز چنین واوی هست و در شمارهای پیش از نوشته ای آقای دکتر کیا بدان اشاره کردم در جنوب خراسان نیز «بوت» را به پته (بتشدیدت) تلفظ می کنند و دست دیگری از کلمه های که او مدوله دارند نیز از لحاظ تلفظ در شمار و او بیان ضمه در می آیند مانند: بود و خوش و خورو مانند آنها و تا چندی پیش به غلط دو کلمه خشنود و خرسند را نیز با او مدوله می نوشتند. گذشته از اینها بسیاری از کلمه های ترکی را نیز از پیرو که با آوایی مشابه آوای (E) فرانسه تلفظ میشوند هم با او و هم بی او آورده اند مانند: چیق و چپوق والغ بیک والوغ بیک و شلوع که (واو) آن همانند و او بیان ضمه است و پورغه و برغه و برتمه و پورتمه و قورمه که در خراسان آنرا بفتح قاف و واو تلفظ می کنند و کمک که تا چندی پیش گروهی از متعصبان آنرا (کومک) می نوشتند. همچنین واو مجهول که هم اکنون تلفظ آن از میان رفته و تنها در علم قافیه از آن و هم از برای مجهول سخن به میان می آید مشابه و او بیان ضمه بوده است و خلاصه اگر دستگاه صلاحیتداری بخواید درباره ی طرز نوشتن کلمه های خارجی دارای حرف (o) یا (au) یا (E) تصمیمی بگیرید باید همه ی نمونه های را که یاد کردم در نظر آورد و قاعده را آنچنان تنظیم کند که شامل و جامع باشد و در آن نمونه های شاذ و استثنا پدید نیاید. نوع دیگر کلمه هایی که از زبانهای بیگانه به فارسی بر گردانده شده است آنها هستند که حرف (t) یا (tt) را در آنها به (ط) تبدیل کرده اند مانند:

ایتالیا - بریتانیا - اتریش - بتری - باتری - پتاس - پترف - تفتور - نرمانتین - ایتالیدن - لاتار - بلیت - نفت - نفتالین - اتلس - پتاسم - امپراتور - اتوان و جز اینها که نوشتن آنها را با (ط) بصورت ایتالیا و ... مخالف املای فارسی است و زبان فراوان با استقلال خط و زبان فارسی میرساند چنانکه مرحوم بهمنیار در ذیل (حروف عربی در کلمات فارسی) بعنوان قاعده ی ۲۰ املایی نوشتن پاره یی از کلمه ها مانند: سطر - اسفهان - بسطام - شست - شطرنج - صد - سندلی - طارم - طاس - طاش - طبرخون - طبرزد - طبرستان - طیس - طیانچه - طپیدن - طراز - طرخان - طشت - طوس - طهران - طهماسب - طهمورث - طیلان - طاق - غلطیدن - قالی - قلیان و قهستان را با (ط) و (ق) و (س) روان شمرده و بر آنند که چون حرف های مزبور درین روزگار به صورت عربی تلفظ نمیشود و در بیشتر فرهنگها این کلمه های مزبور هم بصورت فارسی و هم بصورت معرب ضبط شده بهتر است بدینسان نوشته شود: استخر - اسپهان - بستام - شست - شترنگ - سد - سندلی - تارم - تاس - تالش - تبرخون - تبرزد - تبرستان - تبس - تیانچه - تبیدن - تراز - ترخان - تشت - توس - تهران - تهماسب - تهورس - تیلان - ناق - غلتیدن - غالی - غلیان - گوستان.

و در ذیل قاعده ی ۲۳ مینویسد: برخی از نویسندگان پاره یی از کلمات بیگانه غیر عربی را به صورت معرب و با حروف مخصوص به عربی و فی العثل «ایتالیا» را به طاء و «مستکی» را به صاد و طاء «ومغتائیس» را به قاف و طاء می نویسد، و این شیوه گذشته از منافات با اصل استقلال خط و زبان دارد، ایجاد عیب با اشکالی در خط کرده و آن به دو یا چند گونه نوشته شدن برخی از کلمات است که اغلب در نوشته های فارسی مشاهده میکنیم مانند: اتریش و اطریش، تننور و طنطور، مغناطیس و مقناطیس و امثال اینها.

(از صفحه ۱۷۲ مقدمه ی لغت نامه ی دهخدا)

درباره گونه یی از کلمه های خارجی که حرفها و آوای آنها چنان است که در فارسی آوای همزه ی تازی را نشان میدهند در شماره ی پیش یاد آوردم که فارسی زبانان آنها را بصورت (ی) نوشته اند مانند: سویس و بویز و بالدوین و ناپلیون و دیوی و یاد آوردم که بهبود و بغلط برخی از مترجمان در برخی از کتابها آنها را به صورت سوئیس و بوئیز و بالدوئین و ناپلئون و دیوئی نوشته اند. از این گونه کلمه ها در کتابهای علمی دیگر



نیز دیده شد که آنها را به دو صورت آورده اند یکی بصورت همزه و دیگری به صورت الف یا (ی) یا (ه) که اینک صورت آنها را بدینسان نشان می دهیم:

موافق فارسی

ناموافق

کولسته آتم	کولستانتام
رآ کتر	رثا کتور - رثا کتر
رآ لیم	رثا لیم
ایدآل	ئیدئآل
کافه این	کافئین
کره اولین	کره ٹولین
نه اوپلاسم	نئوپلاسم
ککاپین	کوکائین
تیراید	تیروئید
ایدروژن (یا)	ئیدروژن
هیدروژن	
الکالاید	الکالوئید
بنزایک	بنزوئیک
کلایدال	کولوئیدال
آلبمین اید	آلبومینوئید
پرتها این	پروتئین
کلراید ریک	کلرئید ریک

و اگر (é) را به (ی) بدل کنند مانند تر کپا و عامه می مردم ایران اشکال پدید آمدن همزه در وسط کلمه ها رفع خواهد شد و در مثل بجای ژئویا ژئو ژویا ژبو تلفظ کنند و پیداست که در همه ای اینگونه مورد ها صورت لاتین کلمه را نخستین بار در حاشیه باید فید کنند. از آنچه گذشت می توان قاعده هایی در بر گرداندن کلمه های خارجی به فارسی بدینسان گرد آورد:

۱ - کلمه های منتهی به (er) و (et) و (é) و (eé) را در فارسی به های بیان حرکت می نویسنند مانند: puer - prouo - پرو که و léret - لیره و oxygén é اکسیژنه و idée اید.

۲ - آواهای (ou) و (u) را در فارسی به (و یا او) نشان دهند مانند: Ampoule آمبول . ludget بودجه .

۳ - (o) و (au) و (eu) را در فارسی ضمه تلقی میکنند و آوا یا حرفی که در کلمه آنها را نشان دهد در خط فارسی یافت نمیشود و ازینرو آنها را بر کلمه های مضموم در فارسی قیاس میکنند.

۴ - (t) و (tt) را به (ت) تبدیل میکنند نه به حرف (ط) که در الفبای امروزی فارسی وجود ندارد و از تازی در فارسی کلمه هایی با حرف مذکور متداول شده است.

۵ - حرفهای (s) و (h) و (gh) و مانند آنها را به (س) و (ه) و (غ) بدل می کنند نه (س) و ح و ق زیرا لهجه می صاد و حاق در فارسی نیست.

۶ - (éo) را میتوان به (ی) یا (ه) بدل کرد.

۷ - فتحه را در فارسی بصورت (آ) نشان نمیدهند و بنا برین کلسیم و کربن و گرم و منگنز صحیح تر از کالسیم و کاربن و مانگانز و گرام است.

۸ - (th) انگلیسی را باید در فارسی به (س) یا (ز) بدل کرد نه (ث).

اینهاست پیشنهادهایی درباره چگونگی برگرداندن کلمه های بیگانه به خط فارسی که در نتیجه مطالعه بسیاری از کتابهای علمی معاصر و بررسی رسم خط فارسی و نظریه برخی از دانشمندان به گردآوری و تنظیم آنها پرداخته ام و به هیچرو در پیشنهادهای مزبور تعصبی ندارم و مدعی نیستم که بطور قطع باید این ماده ها بی حک و اصلاح پذیرفته شود بلکه آنها را به منزله ای راهنمایی برای اهل فن میدانم که در هنگام تدوین قاعده های رسم خط جامع برای خط امروز، بدانها درنگرند و هر چه زودتر دستور جامعی درین باره در دسترس مردم قرار دهند تا از هرج و مرجی که درین رسم خط و املا و به ویژه در خصوص طرز نوشتن کلمه های خارجی پدید آمده است جلوگیری شود و جوانان ما بجای تلف کردن وقت گرانمایه خویشتن در این گونه نکته های مقدماتی زبان، به هدف اساسی تعلیم که کسب دانش است سرگرم شوند

و هر چه زودتر خود را بکاروان بزرگ دانش و تمدن جهان که سرعت شکفت آوری روبرو پیش کام بر میدارد، برسانند و مانند نیاکان خویش بتحقیق و کنجگویی و کشف دشواریهای دانش و هنر سرگرم شوند.

در شماره ی پیش نیز یادآوری کردم که در تنظیم قاعده های رسم و خط و املا و دستور زبان میتوان این نکته ها را ملحوظ داشت:

۱ - سهولت و سادگی تا از نظر آموزش همگانی بیبشرفت باسواد کردن مردم کمک کند .

۲ - نگهبانی استقلال خط و زبان فارسی .

۳ - در نظر گرفتن شیوه های متقدمان در اینگونه موردها .

۴ - اصل پیشرفتگی یا تکامل و تحولهایی که ازین نظر در کلمه ها و قاعده ها روی میدهد .

۵ - بحساب آوردن تصرفهای عامه می مردم در کلمه های بیگانه .

۶ - توجه بدین اصل که خواندن بانوشتن سازگار باشد چنانکه جز در موردهای نادری در زبان فارسی اختلافی میان خواندن و نوشتن نیست.

در خاتمه باز هم باید یادآوری کنم که اگر هر چه زودتر دستگاها ی صلاحیتدار مانند وزارت فرهنگ - دانشگاه و فرهنگستان تصمیم قاطعی

درباره ی یکنواخت کردن املا ی کلمه های خارجی نگیرند کار هرج و مرج نوشتن این گونه کلمه ها به جای کشیده خواهد شد که همه دانشجویان و جوانان را سرگردان خواهد کرد و اینک برای نمونه دستهی از اینگونه

کلمه ها را که مؤلفان و نویسندگان مختلف به صورتی مفایر همان کلمه ها در کتبا دیگر ریاحتی در یک کتاب آورده اند از نظر خوانندگان ارجمند میگذرانم تا گواهی دهند که در نگریستن بدین امر چه اندازه به شتاب و تسریع در کار

نیاز دارد .

کلسیم، کالسیم، کلسیوم، کالسیوم .
منگنز، مانگانز، مانگنز، منگافز .

کربن، کاربن، کربون، کاربون
کربنات، کاربونات، کربونات، کاربنات

کپسول، کاپسول، پماد، پوماد .
الکترولیت: الکترولیت، فتامید، فونتامید

تیراید، تیرواید، تیروئید، تیرئید .
پن، یون، پرتن، پروتن، پروتون، پرتون

ایدروژن، هیدروژن، ئیدروژن، ایدروژن، هیدروژن، ئیدروژن .
بنزایک، بنزوایک، بنزئیک، بنزوئیک

سلول، سللول، شک، شوک، سرم، سرورم
تفتوره، طفتوره، تنطور، طنطور

پتاس، پوتاس، پطاس، پوطاس
میکرب، میکروب، ایی درم، اییدرم

پیکربنات، بی کربنات، بی کربونات، بی کربونات
آمنیایک، آمونیایک، اتمیک، اتومیک .

پرمنگنات، پرومنگنات، پرو مانگانات
پرمانگانات، پرمنگانات، پرمانگنات

نفتالین، نفتالین، ایتالیدن - ایتالیدن و تصور میکنم بیش از این

مایه ی ملال خاطر خوانندگان ارجمند شود .